

پیکار جوانان

نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

دلو ۱۳۸۷ (فبروری ۲۰۰۹)

شماره دهم

دور دوم



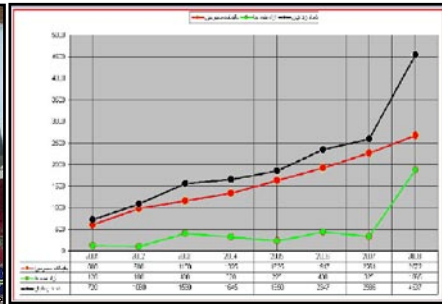
انتقال قدرت از بوش به بارک اوباما ،
آغازی برای تهاجم دیگر به افغانستان

بارک اوباما رئیس جمهوری که به تاریخ ۲۰ جنوری ۲۰۰۹
قدرت را از بوش و شرکا در ایالات متحده امریکا صفحه ۲



چرا پیکار جوانان بطور منظم منتشر
نمیشود؟

این سوالی است که اکثریت هواداران و طرفداران جنبش
انقلابی جوانان افغانستان دارند. صفحه ۵



وضعیت نگران کننده زندانیان در
افغانستان

از زمان روی کار آمدن حکومت دست نشانده حامد کرزی
در افغانستان تا حال ۱۶۳۱۵ نفر به اتهامات گوناگون به
... صفحه ۶



طرح عصری سازی میدان های هوایی
کشور توسط امپریالیست های امریکایی

ایالات متحده امریکا به منظور عصری سازی میدان های
هوایی افغانستان وعده سپرده است که مبلغ سه و نیم میلیارد
دالر (۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) را در سال ۲۰۰۹ میلادی به
مصرف خواهد رساند. صفحه ۹

دونکته حساس!

ضعف ظاهری ، قوت باطنی افغانستانی ها - قوت ظاهری ، ضعف باطنی امپریالیستها!

برای این گفته چه ثبوتی را میتوان بهتر از حمله هوایی نیروهای امریکایی بالای رمه های مواسی دردشت مهترلام ولایت لغمان به میان آورد؟



انتقال قدرت از بوش به بارک اوباما، آغازی برای تهاجم دیگر به افغانستان



برسیاهان بمیان نیاورد بلکه حتی کلمه ای هم در باره پایان بخشیدن تبعیض در محل بودوباش، صحت، نظام حقوقی و غیره نگفت. اوباما حتی به کشیش سابقه اش "جرمیا رایت" احترام نمود و او را به باد انتقاد گرفت و گفت: "رایت نژاد پرستی را بخشی از وجود امریکا میداند" و اضافه نمود که چنین تفکری تفرقه افکنانه است و توجه مردم را از مشکلاتی مانند جنگ علیه تروریسم، اقتصاد خراب و بحران مزمن امراض جهانی و تغییرات خطرناک آب و هوا منحرف میکند!

به این ترتیب اوباما با طرح چنین جملاتی بر روی جایگاه تعیین کننده تبعیض نژادی در کل مشکلات اجتماعی امریکا پرده افکند. او این واقعیت را نفی کرد که سیاه پوستان در ایالات متحده امریکا به عنوان مردمان تحت ستم اند و ساختار اجتماعی امریکا این ستم و ستمگری را تغذیه میکند.

اوباما در سخنرانی پیروزی اش گفت: "اگر هنوز کسی شک دارد که در امریکا همه چیز ممکن است؛ اگر هنوز شک دارد که رویای بنیان گذاران ما زنده است؛ اگر هنوز به قدرت دموکراسی ما شک دارند؛ امشب جوابش را گرفت." (به نقل از نشریه هفتگی انقلاب - چاپ امریکا - ۶ نوامبر ۲۰۰۸)

بله! در امریکا خیلی چیزها ممکن است و شک نیست که نسل کشی بومیان رنگین پوست توسط مهاجرین اروپائی، دزدیدن ۱۰ میلیون نفر از آفریقا، برده کردن فرزندان شان به مدت ۲۵۰ سال، استثمار انسانها به مثابه سرچشمه ثروت این کشور، اسیر کردن نواسه های آن برده ها در اشکال جدید ستم و مافوق استثمار در امریکا ممکن است. لاف زدن در مورد اینکه رویای بنیان گذاران

که در حدود هفت هزار کشته وزخمی برجای گذاشت. این فاجعه جنایت کارانه و اشغالگرانه و خائینانه در حالی بوقوع پیوست که اکثریت کشورهای جهان عمل جنایتکارانه صهیونیست ها را تقبیح نموده و کشورهای اروپائی و همچنان روسیه به شمول سازمان ملل متحد درخواست آتش بست نمودند. اما اسرائیل این درخواست ها را رد نمود، نیروهای زمینی خود را در خاک غزه سرازیر ساخت و تا زمانی که خود خواست به حملاتش ادامه داد..

مردمی که بخاطر انتخاب اوباما شادمان اند اکثریت کسانی هستند که از فاشیسم دوران بوش و شرکاء خسته اند، اکثریت کسانی اند که از جاسوسی دولت علیه مردم خسته اند، کسانی اند که از پامال نمودن حقوق اولیه مردم توسط دولت به تنگ آمده اند و کسانی اند که از شکنجه های بی امان دولت و فشارهای بی حد و حصر دولت بالای مردم بیزاراند. اما اوباما چه کرد؟ غیر از تجدید "قانون میهن پرستی". این قانون توسط "پاتریوت اکت" توشیح شد و حقوق قانونی مردم را محدود کرد! اوباما بر علاوه تجدید این قانون، رای به مصونیت کمپنی های تلفون، که بطور غیر قانونی و به درخواست کاخ سفید علیه مردم جاسوسی میکنند، داد. افتضاحی غیر قابل بخشش و افتضاحی غیر قابل قبول!

مردمانی که خواست پایان دادن به نژاد پرستی، ستم بر سیاه پوستان و ملل تحت ستم دیگر مانند افغانستان و عراق را در سر داشتند در جریان کارزار انتخاباتی اوباما مشاهده کردند که وی برخلاف این خواست به میدان آمده است. اوباما نه تنها حرفی از پایان دادن به تبعیض و ستم

بارک اوباما رئیس جمهوری که به تاریخ ۲۰ جنوری ۲۰۰۹ قدرت را از بوش و شرکا در ایالات متحده امریکا تحویل گرفت، وعده سپرده که یکی از اهداف و پلانیهایش، انتقال ۳۰۰۰۰ نفر دیگر از نیروهای نظامی امریکا به افغانستان بخاطر تقویت هر چه بیشتر رژیم دست نشانده در افغانستان و پیشبرد هر چه وسیعتر و جدی تر "جنگ علیه تروریسم" است.

بدین اساس با به قدرت رسیدن بارک اوباما این رئیس جمهور تازه ایالات متحده امریکا، جهان شاهد فلاکت، بدبختی و ویرانگری هایی بیشتری نسبت به گذشته خواهد بود. چرا؟ چون اوباما به دلیل مخالفت با آغاز جنگ علیه عراق معروف شد. اما در جریان کارزار انتخاباتی اش از این موضع عقب نشینی کرد و گفت، "باید ببینم جنرال ها چه می گویند" و چه زمانی عراق "با ثبات" شده و سربازانش "به اندازه کافی ورزیده" شده اند! در ثانی اغلب کسانی که بعد از پیروزی اوباما در جاده ها به رقص و پایکوبی پرداختند و پیروزی انتخاباتی اوباما را جشن گرفتند مخالف جنگهایی بودند که بوش و شرکا براه انداخته بودند و یا تهدید به آغاز آنها کرده بود. اما بعد از پیروزی اوباما چه شد؟ اوباما گفت که بر تعداد سربازان امریکائی اش در افغانستان خواهد افزود! و حتی اشاره ای نیز بر حمله به خاک پاکستان کرد و در کنار آن کشور ایران را تهدید نمود! همچنان اوباما گفت که از اسرائیل و حملات آن - که مردم فلسطین را به اسارت کشیده است - دفاع خواهد کرد. حملات مرگبار اسرائیل بر روی نوار غزه از ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ با پشتیبانی ایالات متحده امریکا آغاز گردید، به سرحدی

امریکا بر این اصل استوار است که " همه انسانها برابر آفریده شده اند"، هجوم و لشکرکشی به سرزمینهای دیگر، غارت و چپاول اموال کشورهای تحت سلطه، کشتار بیگناه انسانها در سراسر کره خاکی، اعمال خود سرانه نیروهای یانکی در افغانستان و عراق و راه اندازی کودتا های نظامی در ۱۵۰ سال گذشته برای امریکا ممکن است. مطیع کردن کلیت اقتصاد ملل گوناگون به مطالبات و اوامر سرمایه امریکا، تحمیل مافوق استثمار به مهاجرینی که از فرط استیصال وارد امریکا شده اند، سرزنش مهاجرین افغانستانی و ایرانی بعنوان مسئولین روزگار سخت مردم در امریکا، ممکن است. به نام امنیت شکنجه کردن و به دنیا اطمینان دادن که شکنجه نمیکنند نیز در امریکا ممکن است؛ اما آنچه را که در امریکا هرگز ممکن نبوده است همانا نابود کردن ساختارهای برتری سفیدان و ستم برممل گوناگون، دست کشیدن از گسیل نیرو به افغانستان، جلوگیری از اعزام جاسوسان سیا و کماندوها به اقصی نقاط جهان، پرهیز از کشتن غیر نظامیان افغانستانی در گوشه و کنار افغانستان، محو انقیاد زنان درهمه عرصه های زندگی، دست کشیدن از چور و چپاول کره خاکی؛ در امریکا ممکن نبوده است.

این موضوعات در حالی بوقوع میبوندند که رسانه های خبری جهان نیز به تبلیغ انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا پرداختند و راجع به او با ما و تصمیماتی که وی اتخاذ کرده است سخنانی به میان آوردند، از آنجمله بی بی سی در گزارش خبری خود که به تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۰۸ مطابق ۲۱ قوس ۱۳۸۷ ارائه نمود چنین گفت: " روز چهارشنبه، ۱۱ دسامبر (۲۱ آذر)، رابرت گیتس، وزیر دفاع امریکا که از افغانستان دیدن میکند، گفت که ایالات متحده در نظر دارد واحدهایی متشکل از

دست کم هفت هزار نفر دیگر از نظامیان این کشور را به افغانستان اعزام کند و تلاش بیشتری برای مقابله با شورشیان مخالف دولت افغانستان صورت دهد. آقای گیتس، که از پایگاه نیرویهای ناتو در قندهار، در جنوب افغانستان، دیدن میکرد گفت که میکوشد تقاضای ژنرال دیوید مک کرمان، فرمانده نیروهای یاری به امنیت افغانستان - آیساف - را برآورده سازد. " (بی بی سی ۱۱ دسامبر ۲۰۰۸)

بی بی سی در گزارش خبری دیگری که چند روز بعد اعلام نمود چنین گفت: " یک مقام ارشد نظامی در امریکا اعلام کرده است که عملیات مقدماتی برای استقرار بیست هزار نیروی جدید امریکا در افغانستان آغاز شده است. جنرال مایکل توکر فرمانده عملیاتی ارتش امریکا در افغانستان که در یک کنفرانس با خبرنگاران در پنتاگون صحبت می کرد گفت انتظار می رود در ماه جنوری سال جدید میلادی اعزام این بیست هزار نفر به افغانستان شروع شود. بارک او با ما رئیس جمهور منتخب امریکا، اعلام کرده است که بازگرداندن امنیت برای افغان ها و پایان دادن جنگ در منطقه در صدر برنامه هایش قرار دارد. " (بی بی سی ۱۳ دسامبر ۲۰۰۸)

رقابتهای انتخاباتی سناتور جان مک کین نامزد حزب جمهوریخواه و بارک او با ما نامزد حزب دموکرات در ایالات متحده امریکا یکتعداد از محصلین کابل را نیز به هیجان آورد. رسانه های خبری داخلی افغانستان نیز تاثیرات این انتخابات را بالا افغانستان و مردم آن تهیه و به نشر رساندند، از آنجمله زینب محمدی خبرنگار آژانس خبری پژواک در این خصوص گزارشات متعددی را تهیه کرده و میگوید: " به غیر از گروه های سیاسی، تعداد بسیار کم مردم از این انتخابات آگهی دارند. " همچنان " دانش کروخیل" مسئول این رسانه

میگوید: " یکی از دلایل علاقه افغانها به او با ما این است که او (او با ما) به افغانستان بیشتر توجه دارد و مردم بیشتر وی را به دید یک فرد شرقی یا آسیایی میبینند تا یک امریکایی. " (پژواک - سوم اکتوبر ۲۰۰۸)

در کنار رسانه های خبری، مطبوعات افغانستان نیز به اهمیت تاثیر انتخابات امریکا در افغانستان پرداخته اند. از آنجمله عبدالقهار سروری، مدیر مسوول هفته نامه پیام ملت می گوید: " چون افغانستان از نگاه سیاسی، اقتصادی و تصمیم گیری های استراتژیک وابسته به امریکاست، لذا انتخابات امریکا می تواند تاثیرات بسیار جدی بالای افغانستان داشته باشد. قسمی که ما شتاب زدگی آقای کرزی را در تغییر و تبدیلی وزارت ها می بینیم، معلوم می شود که با روی کار آمدن او با ما چانس آقای کرزی کمتر خواهد شد. "

سروری ادامه می دهد که: " تیم فعلی که هرم قدرت را با آقای بوش و اطرافیان اش تشکیل داده بود، در گذشته یک سلسله شعارهایی داد و کارهایی کرد که حالا به ترمیم آن می پردازد. چنانچه کرزی گفته است که به حقوق بشر اعتنایی نمی کند و یا وزیرانی که روی کار شده اند گفته اند که مجاهدین را به کار خواهند گماشت. "

سروری ابراز می دارد: " شایعاتی وجود دارد که او با ما یک گروه مشاورین دارد که علی احمد جلالی، وزیر پیشین داخله با آنها خیلی نزدیک است و یک حلقه ی دیگر از جمهوری خواهان سرگرم بررسی جانشینی اشرف غنی احمدزی به جای کرزی است و هردو گروه مصروف گفتگو با گروه های مختلف قومی در افغانستان هستند. "

در کنار این تبلیغات رسانه بی و مطبوعاتی باید گفت که در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده افغانستان هر کسی و از هر طریقی که برمسند چوکی تکیه زند برای امپریالیست ها مهم نیست؛ مهم

آنست که به استراتژی امپریالیستها در مورد افغانستان پایند باشد.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان از همان آغاز انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا بار بار یادآور شده است که جنگ در افغانستان از جمله مهم ترین مسائل مطروحه در کمپاین تبلیغاتی انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا به شماررفته و میروود. مسئله این نیست که پیشنهاد ایجاد تغییر اساسی در سیاست تجاوزکارانه و اشغالگرانه امریکا، که تا الحال بوش و شرکاء پیشبرده است، توسط

خروج قوای امریکایی از عراق و تشدید جنگ و افزایش قواء در افغانستان و در عین حال ایجاد فشار بیشتر بر پاکستان و احیاناً پیشبرد عملیات های نظامی قوای امریکایی در قلمرو آن کشور بوده است. در مذاکرات میان امپریالیست های امریکایی و رژیم دست نشانده در عراق بر سر امضای یک توافقنامه مشترک استراتژیک، از نوع همان موافقتنامه ای که میان بوش و کرزی قبلا به امضا رسیده است، به

اصطلاح اختلاف نظرهایی بروز کرد و



مناطق مرزی پاکستان و افغانستان بطور روز افزون متشنج تر می شود و حملات هوایی قوای امریکایی به مناطق آنطرف خط دیورند افزایش می یابد. از جانب دیگر باند بوش گرچه واضحا از کشاندن جنگ به قلمرو پاکستان حرف بمیان نیاورد، اما بوش شخصا اعلام کرد که چلنج بزرگ برای رئیس جمهور آینده امریکا، اوضاع پاکستان خواهد بود و نه اوضاع عراق. بر علاوه تا جائیکه انکشافات اخیر شرایط جنگی در افغانستان و نقاط مرزی افغانستان و پاکستان نشان می دهد، فرماندهان امریکایی مستقر در افغانستان نیز خواهان کشاندن جنگ به قلمرو پاکستان هستند. در واقع با وجودی که تا حال چنین سیاستی به عنوان سیاست جنگی رسمی امریکا اعلام نشده است، عملا فعالیت های نظامی قوای امریکایی در قلمرو پاکستان، به ویژه عملیات

منتج

به نتیجه شدن این مذاکرات

هر دو طرف گردید. رژیم دست نشانده در عراق مخالف امضای چنین توافقنامه ای نبود، اما میخواست که یک تقسیم اوقات برای خروج قوای امریکایی از عراق تعیین گردد. البته درینجا باید تذکر داد که به هیچ وجه خروج کامل قوای امریکایی از عراق مطرح نیست، بلکه خروج قوای جنگی امریکا و سپردن " تام " مسئولیت های امنیتی به قوای پویشالی عراقی مطرح بحث می باشد و یکی از خواسته های او باما را تشکیل داده است. این در حالی است که قوای امریکایی پایگاه یا پایگاه های دائمی در عراق خواهند داشت. رژیم بوش تعیین تقسیم اوقات برای خروج

کاندیداتوران

و حزب رقیب به میان آمده است. این سیاست در جریان پروسه

انتخابات نیز مورد تأیید هر دو رقیب اصلی انتخاباتی (اوباما و جان مک کین) قرار گرفت. اما در مورد اینکه جنگ در افغانستان همزمان با پیشبرد جنگ در عراق باید ادامه یابد، یا اینکه برای جنگ عراق راه خروجی ای سراغ گردیده و بطور متمرکزی به جنگ افغانستان توجه گردد، میان دو طرف اختلاف وجود داشت. کاندیدای مربوط به " حزب جمهوریخواه " بر ادامه سیاست کنونی یعنی پیشبرد جنگ در افغانستان و عراق پافشاری میکرد و خواهان تشدید بیشتر جنگ و افزایش قواء در افغانستان نیز بود. اما کاندیدای مربوط به " حزب دموکرات " خواهان تعیین تقسیم اوقات برای



های هوایی، مکرراً در حال افزایش است. به این ترتیب، تشدید و گسترش جنگ افغانستان اجندای اصلی بارک اوبامای "دموکرات" است. حزب "دموکرات" یکی از دو حزب اصلی سرمایه داران امپریالیست امریکاست که سیاست حکومت امریکا را در قبال جنگ افغانستان، تطبیق خواهد نمود و به پیش خواهد برد. تطبیق و پیشبرد این اجندا به مفهوم قتل و کشتار بیشتر و روز افزون اهالی ملکی، ویرانی های بیشتر و بیشتر و بی خانمانی و آوارگی های روز افزون تر توده های ساکن در دو طرف خط دیورند میباشد. صلح و آرامشی در کار نیست و نخواهد بود و در آینده نزدیک نیز در چشمرس قرار نخواهد داشت. مقاومت در مقابل این جانان امپریالیست، ناگزیر، غیرقابل انصراف و غیر قابل سوال است. اما چگونه مقاومتی؟ مقاومتی که ما در پی آن هستیم و باید باشیم، مقاومت ملی مردمی و انقلابی در جهت طرد تجاوز

و اشغال و فروپاشی دولت دست نشانده حاکم کنونی است.

مردمان سلحشور و آزادیخواه افغانستان و سراسر جهان!

بیایید بجای اینکه برای تقویت اموری که مخالفش هستید "خدمت" کنید به مقاومت ملی و مبارزه انقلابی بپیوندید!

اما برای انقلاب باید فعالیتهای زیادی انجام داد، باید پشتکار و تلاش داشت، باید عزم راسخ و متین اختیار کرد، کاری که بطور عاجل انجامش طلب میشود برپائی یک مقومت سراسری و دلیرانه ملی، مردمی و انقلابی در راستای مبارزه برای یک جهان فارغ از استثمار و ستم است. پس بیایید دست در دست هم داده مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده را بر بار ساخته و سرتاسری سازیم!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان
اول جنوری ۲۰۰۹ (۱۱ جدی ۱۳۸۷)

چرا پیکار جوانان بطور منظم منتشر نمیشود؟



آموختن تئوری پردازند و بطور جدی مطالعه کنند. فقط در این صورت است که آنها می توانند به تجارب خود نظم و ترتیب بخشند، آنها را تعمیم دهند و به سطح تئوری برسانند. فقط در این صورت است که آنها تجارب جزئی را اشتباهها به مثابه حقیقت عام تلقی نخواهند کرد و دچار خطاهای امپریستی نخواهند شد. انتقاد از کمبودهای خلق امری ضرور است، ... اما ما باید در حالیکه این کار را انجام می دهیم، کاملاً در موضع خلق قرار بگیریم؛ انتقاد ما باید سرشار از آرزوی آتشین دفاع از خلق و آموزش وی باشد. اگر ما با رفقای خود چنان رفتار کنیم که با دشمن می کنیم، در آن صورت در موضع دشمن جای گرفته ایم."

ما بارها یادآور شده ایم که جنبش انقلابی جوانان افغانستان یگانه نهاد ملی - دموکراتیک جوانان کشور است که برای بسیج گسترده جوانان در جهت طرد تجاوز و اشغال، سرنگونی دولت

این سوالی است که اکثریت هواداران و طرفداران جنبش انقلابی جوانان افغانستان دارند.

درینمورد باید بگوئیم که ما روی اکثریت بحث هایی که حول تحولات عظیم انقلابی در کشور می توانند مطرح باشند، انگشت گمارده ایم و بارها یادآور شده ایم که:

"در باره آموزش دو روش مختلف موجود است. اولی روش دگماتیستی است که می گوید باید از همه چیز صرف نظر از اینکه برای شرایط کشور ما مناسب باشد یا نه، اقتباس کنیم. این روش درستی نیست. روش دیگر این است که ما باید هنگام آموزش فکر خود را بکار اندازیم و آن چیزی را بیاموزیم که با شرایط کشور ما تطبیق می کند، یعنی کلیه تجاربی را بپذیریم که برای ما مفید هستند. ما درست نیازمند چنین روشی هستیم. آن کسانی که در کار صاحب تجربه اند، باید به

دست نشانده و در جهت خواست اساسی جامعه که همانا گرفتن و کسب استقلال سیاسی از طریق اشتراک اکثریت طبقات رنج دیده جامعه بخصوص دهقانان و در راس کارگران است، برای رسیدن به برنامه حد اکثر جنبش که همانا برپائی نظام دموکراتیک نوین در کشور میباشد قد علم نموده است و این مسیر پریچ و خم، تلاش و مبارزه خستگی ناپذیر میطلبد، این

که مقالات ارسالی شما را درج پیکار جوانان نماید. ما حاضریم که مقالات ارسالی شما را در صورتیکه متن آنها با سیاست نشراتی پیکار جوانان در ضدیت قرار نداشته باشد، به مسئولیت خودتان منتشر نماییم. سر از شماره آینده یک بخش جداگانه بنام "مقالات دریافتی از خوانندگان" در هر شماره از "پیکار جوانان" خواهیم داشت.

دوست عزیزی که هم اکنون در حال مطالعه این سطور هستید کوشش کنید که اگر از جمله کسانی هستید که راجع به پیکار جوانان و یا جنبش انقلابی جوانان افغانستان انتقاداتی دارید، همزمان با انتقادات ارزنده خویش برای رشد و شکوفائی و بهتر شدن و پر بار شدن صفحات "پیکار جوانان" یکمقدار همکاری کنید. دوست عزیزی که هیچگونه انتقاد اصولی راجع به "پلاتفورم جنبش انقلابی جوانان افغانستان" و سیاست نشراتی "پیکار جوانان" ندارید، کوشش کنید که با ما فعالانه داخل همکاری باشید.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان از شماست و بخاطر بیرون راندن نیروهای اشغالگر امپریالیستی شب و روز در تلاش و تدارک است.

به امید همکاری هرچه بیشتر خوانندگان این نشریه

"هیات تحریر پیکار جوانان"

۱۴ جدی ۱۳۸۷

و قادر خواهیم بود انقلاب دموکراتیک نوین را براه اندازیم و به موفقیت برسانیم. با بکار بستن شیوه درست این مبارزه است که میتوانیم به اثبات رسانیم که مردم ستمدیده افغانستان نیز قادر خواهند بود از حق استقلال و آزادی حقیقی خود به نحو احسن استفاده نمایند. با تلاش و پشتکار شبانه روزی است که میتوانیم به جهانیان ثابت کنیم که افغانستان و مردمان ستمدیده آن در صورتیکه بخواهند و اراده کنند قادرند غول های امپریالیستی و بره های کاغذین لجام گسیخته و این دمنشان خون آشام بومی را از پای در آورند.

اینکه پیکار جوانان از انتشار ماهانه خود عقب میماند، یک کمبود جنبش انقلابی جوانان افغانستان محسوب می شود. اما ما به دوستانی که در مورد عدم انتشار منظم پیکار جوانان انتقاد دارند، باید بگوئیم که اگر واقعا طرفدار و یا هوادار جنبش انقلابی جوانان افغانستان هستید، اگر واقعا به این حقیقت دست یافته اید که یگانه راه نجات کشور و مردمان کشور از زیر سلطه امپریالیزم همانا دست یازی به مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران ورژیم دست نشانده آنها است، اگر واقعا نسبت به فلاکت ها، بدبختی ها و ویرانی ها جامعه دررنجید. پس بیاید و بکوشید تا با پیکار جوانان همکاری کنید. بیاید دست در دست هم دهیم تا بتوانیم به جهانیان ثابت بسازیم که توده های رنج دیده افغانستان هر وقت بخواهند و هر زمانیکه اراده کنند، قادرند آنچه را که خواست مردمان آزادیخواه این سرزمین است بدست آورند. بیاید تا دست در دست هم دهیم و کوشش کنیم هر روزمان بهتر از دیروز گردد. با نظرات، پیشنهادات و انتقادات ارزنده خود ما را یاری دهید!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان افتخار دارد

مسیر پرفراز و نشیب پشتکار و تکاپو میخاهد، این مسیر طولانی عزم راسخ، تصمیم قاطع و درک عمیق از وضعیت فلاکت بار هول انگیز کنونی جامعه را میطلبد.

تنها نمیتوان به انتشار مجله قانع بود، تنها نمیتوان به انتشار اعلامیه متکی بود، تنها نمیتوان صرفا با مطالعه تئوری های علمی قناعت کرد، بلکه مهمتر از همه به کار بستن شیوه درست این مطالعات در پراتیک اجتماعی است که میتواند ما را بسوی فردای بهتر رهنمون شود.

ما می خواهیم بیاموزیم، ما می خواهیم مبارزه کنیم، ما می خواهیم دگرگونی های اجتماعی را پدید آوریم، پس نباید از پای بیافتیم، دلسرد و افسرده شویم و یا مسیر مبارزاتی خود را از دست دهیم؛ فردایمان روشن!

ما در پلاتفرم مبارزاتی خود یادآور شده ایم که برای رسیدن به فردای بهتر تلاش میکنیم، ما باید گذشته خود و جنبش انقلابی کشور خود را بخوبی تحلیل نماییم، باید گذشته را بخوبی ورق زیم و نکات مثبت و منفی مان را مرور کنیم و نکات ضعف و قوت مان را بیابیم.

با جمع بندی از گذشته است که میتوان نتایج ثمر بخشی برای حال و آینده گرفت. با جمع بندی از گذشته کشور ویران شده افغانستان است که میتوان فردای بهتری را پی ریزی کرد. با اتکاء به اسناد و شواهد تاریخی جامعه است که میتوان نکات مثبت و منفی، نکات قوت و ضعف جنبش خود را بررسی نمود، آنگاه برای جامعه بهتر، طرحی بهتر و اساسی تر، که بیان و خواست اکثریت توده های فلاکت زده این دیار است را جمع بندی نمود.

ما باید با اتکاء به علم و کار بست درست آن در پراتیک و عمل به اثبات رسانیم که میتوانیم

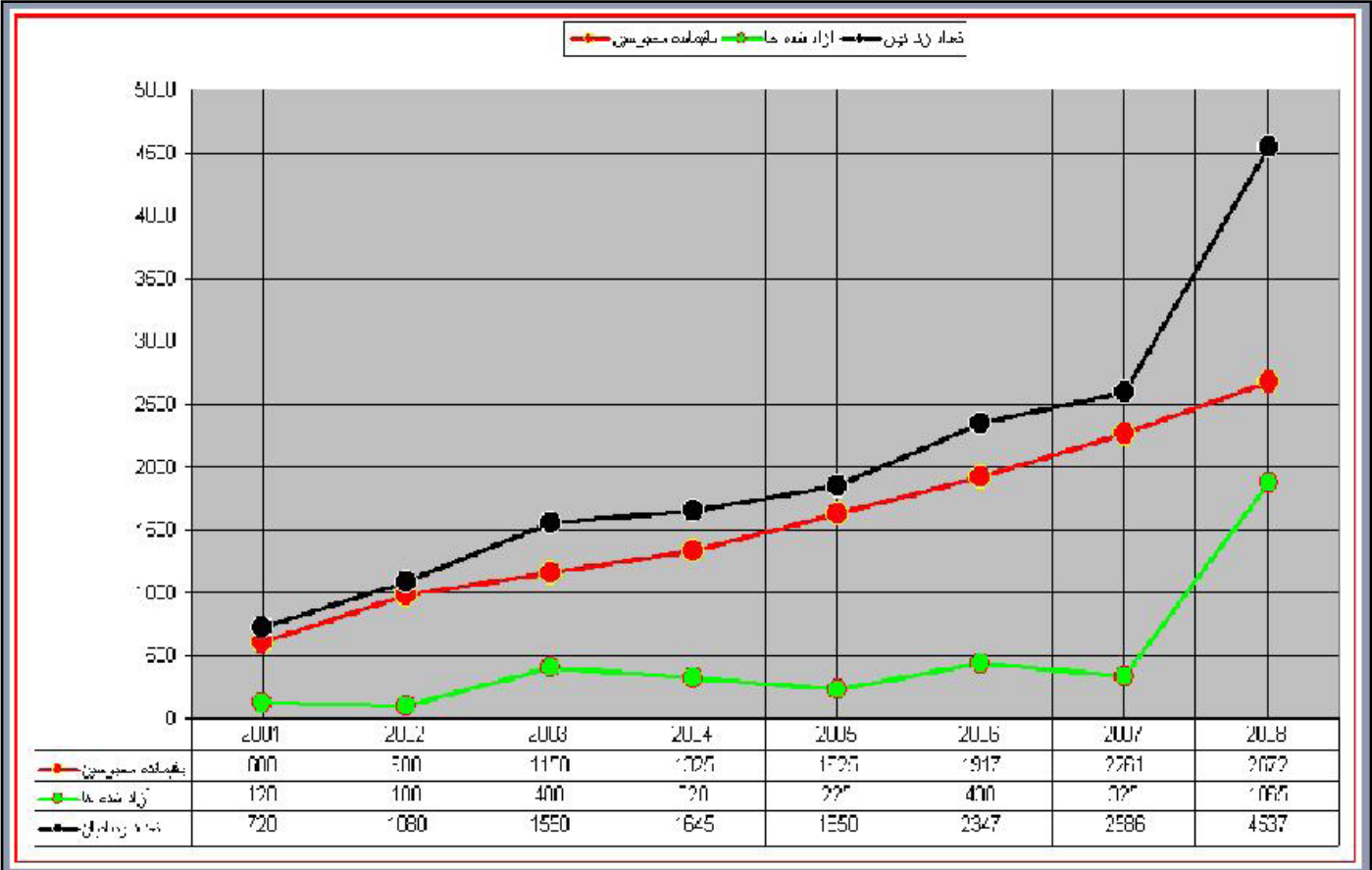
وضعیت نگران کننده زندانیان در افغانستان

از زمان روی کار آمدن حکومت دست نشانده حامد کرزی در افغانستان تا حال ۱۶۳۱۵ نفر به اتهامات گوناگون به زندان افتاده اند که از آنجمله ۳۷۸۵ نفر تا حال آزاد گردیده اند و ۱۲۵۳۰ نفر دیگر کماکان در حبس به سر میبرند.

کریستینا اوگوز (Christina Oguz) مسئول به اصطلاح دفتر مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNODC)، در نشست خبری ۱۱ قوس ۱۳۸۷، افزایش زندانیان در زندانهای افغانستان را نگران کننده اعلام نمود.

قرار گفته وی، در سال ۲۰۰۱ فقط ۶۰۰ نفر زندانی در تمام زندانهای افغانستان به سر میبردند، در حالیکه اکنون در اواخر سال ۲۰۰۸ این رقم به ۱۲۵۳۰ نفر افزایش یافته است.

به طور کل از سال ۲۰۰۱ میلادی الی سال ۲۰۰۸، تعداد زندانیان به شکل ذیل سیر صعودی خود را طی نموده است:



افزایش سرسام آور زندانیان افغانستان بخوبی نشان دهنده این مسئله است که بدبختی و فلاکت مردمان ستمدیده افغانستان رو به تعمیق و گسترش است. دلایلی که باعث شده تا عده ای از مردم توسط باند دست نشانده دستگیر و زندانی شوند فقر، بدبختی و بیچاره گی آنها بوده است. اگر شخصی به اتهام دزدی دستگیر گردیده ، اگر شخصی به اتهام فحشاء دستگیر گردیده ، اگر فردی به اتهام قتل دستگیر گردیده ، اگر شخصی به اتهام قاچاق مواد مخدر دستگیر گردیده ، اگر افرادی به اتهامات سیاسی دستگیر گردیده ، اگر کسانی به جرم رشوه ستانی دستگیر گردیده و هزاران اتهام دیگر که باعث دستگیری عده ای از مردم شده، از چه چیزی دیگری میتواند غیر از فقر و فاکت و بدبختی گسترده در سطح جامعه، نشات نماید؟

اگر کسانی به جرم دزدی و اختلاس دستگیر میشوند، در صورتیکه توان اقتصادی لازمه را داشته باشند، می

توانند با پرداخت وجه نقد خود را رها سازند. مثال زنده آن هم شاروال هرات، آقای مجددی است که با پرداخت هفتاد هزار دلرنقد به دستگاه قضائی دولت دست نشانده خود را از اتهام اختلاس تبرئه نمود. اما ، اگر کسی به جرم دزدی و یا اختلاس کوچکی هم دستگیر شود ولی توان پرداخت رشوت را نداشته باشد، باید در بند دستگاه قضائی گرفتار باشد، بی اعتبار و بی عزت ساخته شود ، توهین و تحقیر شود، چهره اش در صفحات تلویزیون نمایش داده شود و شخصیت او در میان اجتماع پامال گردد. چرا؟ زیرا که پولی برای پرداخت رشوت ندارد تا خود را تبرئه نماید. اما او چرا دست به این کار میزند؟ آز روی ناچاری و بخاطر رفع بدبختی هائیکه دامنگیر شده است. اما آنکه ثروت دارد و می تواند رشوه های هفتاد هزار دلری بدهد، بخاطر ثروت اندوزی های بیشتر و بیشتر دست به این کار می زند.

اگر کسی دست به تجاوزات جنسی میزند،

در صورتیکه صاحب ثروت باشد، به آسانی از طریق رشوه میتواند خود را تبرئه نماید. مثال جالب آن هم سارنوال نظامی هرات است که همراه با پسر خود در منطقه سیواشان هرات گرفتار شد، اما کماکان برمسند و چوکی تکیه زده است. اما اگر کسی فاقد ثروت باشد، باید در منجلاب بدبختی بسوزد. چرا؟ چون نه پولی برای ازدواج دارد، نه وجهی برای تهیه پیشکش های (مهر) گزاف! و نه هم اکثریت خانواده ها اجازه انتخاب برای پسر و دختر میدهند و اکثریت قریب به اتفاق ازدواج ها اجباری هم اجباری اند.

اگر کسی به جرم قتل دستگیر میشود، چه چیزی میتواند غیر از محرومیت هایی که نظام حاکم و محدودیت هایی که دستگاه حکومتی برای این جامعه به وجود آورده است، عامل آن باشد؟ چرا یک فرد دست به قتل می زند؟ بخاطر عقده هایی که فقط می تواند با قتل و کشتار رفع گردد. این عقده ها از کجا ناشی میشود؟ از نظام منحط حاکم ؟ این عقده ها از کجا ناشی

میشود؟ از عقبماندگی های فکری و فرهنگی؟ این عقده ها از کجا می تواند ناشی گردد غیر از مناسبات اجتماعی ناسالم و منحط؟

اگر کسی به اتهام قاچاق مواد مخدر دستگیر گردد، چه کسی مقصر است؟ آیا احمد ولی کززی که رئیس مافیای مواد مخدر است یا فرد جوان و نورسیده ای که نظام اجتماعی منحط او را به دام مافیای بین المللی انداخته است؟ شخصیت کسانیکه به اتهام قاچاق دستگیر می شوند، برآمدی از همین مناسبات اجتماعی و محیط اجتماعی موجود است.

کسانیکه به اتهامات سیاسی اسیر میشوند، چه چیزی غیر از تنفر و انزجارشان از رژیم دست نشانده، سیستم قضائی حاکم و بازار اقتصادی متورم موجود را می توان دلیل دست یازیدن شان به مخالفت های سیاسی دانست؟

به هر حال، افرادی که با بهانه های متفاوت، چه مستند و چه غیرمستند، در دام دستگاه قضائی حاکم گرفتار میشوند، روز به روز بیشتر و بیشتر می شوند. این وضعیت نشاندهنده خرابی روز افزون اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. در چنین وضعیتی رژیم دست نشانده نمی تواند قادر به ایجاد یک سیستم قضائی سالم باشد. سیستم موجود پراز فریب و نیرنگ، دروغگوئی، غارتگری، چپاولگری و عوام فریبی است و در یک کلام دولتی کاملاً پوشالی و خادم امپریالیستها به رهبری امپریالیزم لجام گسیخته امریکا است.

این دولت تا مغز استخوان فاسد و تادندان مسلح است، تا بتواند صداهای اعتراض برحق و راستین مردمان آزادیخواه این سرزمین را با گلوله جواب دهد و یا آنها گرفتار کرده و روانه زندان ها سازد.

افزایش سرسام آور زندانیان در درون زندانهای رژیم باعث شده که زندانیان در وضعیت بسیار بدی قرارگیرند. در وضعیت بد ناشی از شکنجه و فشار،

گرسنگی، بی سرنوشتی، بی احترامی و بی حرمتی باعث شده تا زندانیان هر چند وقت یکبار دست به شورش بزنند و سروصداهایی در خود کشور و در گوشه و کنار جهان برپا نمایند.

اعتصابات غذائی زندانیان در محابس قندهار، پل چرخی، هرات و ننگرهار، تظاهرات ها و زد و خوردها در میان زندانیان و زندانبانان در زندان پلچرخی، دوخت و دوز دهان توسط تار و سوزن که مثال زنده آنرا میتوان در همین نزدیکی ها در زندان ننگرهار یافت، اشکال مختلف اعتراض و شورش زندانیان بوده است.

شصت نفر از زندانیان زندان ننگرهار به تاریخ ۳۰ میزان ۱۳۸۷ دهان شان را توسط تار و سوزن دوخته بودند و دلیل عمده این اقدام شان را عدم بررسی دقیق دوسیه های نسبتی شان توسط محاکم قضائی کشور اعلام کرده بودند. به همین ترتیب سروصدای راجع به تجاوزات جنسی بالای زندانیان علی الخصوص زندانیان زن خود به غوغائی در سطح کشور و جهانی مبدل گشت. اینها همه و همه بیانگر این مدعایند که سیستم قضائی حاکم یک سیستم ضد مردمی و تا مغز استخوان فاسد است و فقط می تواند بر ضد منافع راستین مردمان ما عمل نماید.

وضعیت حاکم بر زندان ها انعکاس دهنده وضعیت کلی حاکم بر کشور و مردمان کشور است. در شرایط کنونی در واقعیت امر صرفاً چند هزار نفر از هموطنان ما نیستند که اسیر و زندانی اند. کل کشور یک زندان بزرگ محسوب می شوند و تمامی مردمان ما هم زندانی و اسیر اشغالگران و دست نشاندهگان شان. برای ویران کردن آن زندان های کوچک و محدود باید دیوار های زندان بزرگ اسارت و اشغال را در هم کوفت و کشور و مردمان کشور از اسارت و بردگی نجات یابند.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان،

همانطوریکه در پلاتفورم سیاسی اش یادآور شده است، تمامی سعی و تلاش خویش را به خرچ داده و کوشش به عمل میاورد تا در برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و دولت دست نشانده از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نوزد.

ما یقین کامل داریم که تا نیروهای اشغالگرا امپریالیستی را قهرا از کشور اخراج ننماییم و دولت دست نشانده شان را سرنگون نسازیم، هرگز نمیتوانیم استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را بدست آوریم.

نویسنده مشهور جهان گفته است: "اگر سجایای انسان زاده محیط است، پس محیط باید انسانی شود." برای اینکه جامعه ما یک جامعه پاک از دزدی، تجاوز، قاچاق مواد مخدر، قتل و سائر جرایم باشد، باید نظام سالمی که مبتنی بر اشتراک و وسیع مردم و به نفع همگان باشد بوجود آید، باید محیط اجتماعی انسان ها را انسانی ساخت تا بتوان این جرایم را تقلیل داد. در یک کلام باید انقلاب کرد، دگرگون ساخت، ریشه فقر و بدبختی را برچید و محیط سالم تری را که آمل و خواسته های تمامی انسانهای زحمتکش جهان را بر آورده سازد به وجود آورد؛ محیط کاملاً انسانی ای که منافع همگان در آن تامین باشد. باید برای این کار و این هدف سترگ مبارزه کرد، تلاش نمود و پیوسته سعی بود، تا فردایمان شگوفان و بری از بی عدالتی ها، ظلم و ستم شود.

در یک کلام: باید نیروهای اشغالگر امپریالیستی و ارتجاعی را از کشور راند. باید دولت دست نشانده را از تخت حاکمیت سرنگون ساخت.

باید انقلاب دموکراتیک نوین را به پیروزی رساند و به سوی جامعه ای فارغ از هرگونه ستم حرکت کرد.

به امید پیروزی مردمان کشور و نسل جوان کشور!

طرح عصری سازی میدان های هوایی کشور توسط امپریالیست های امریکایی



Photo Copyright Gerhard Planitzer

AIRLINERS.NET



عبدالرحیم وردگ دریک کنفرانس خبری اعلام نموده بود که تا ختم سال ۱۳۸۷ تعداد طیارات ترانسپورتی، طیارات کشفی، بم افکن و هلیکوپتر قوای هوایی کشور به بیش از ۸۰ بال خواهد رسید که توسط نیروی هوایی وزارت دفاع ایالات متحده امریکا تامین خواهد شد.

بدین اساس بخوبی دیده میشود که قوت های اشغالگر امریکایی بر مبنای یک استراتژی بین المللی بر افغانستان تجاوز کرده و این کشور را اشغال کرده اند و میخواهند بصورت دراز مدت در این سرزمین باقی بمانند. به همین جهت از همان روز اولی که آنها دست به تهاجم زده و افغانستان را اشغال کرده اند، به زمینه سازی برای استقرار دائمی شان در افغانستان پرداخته اند و هیچگاه اقدامات شان را در این مورد متوقف نکرده اند. اما اقدامات مذکور پس از اعلام شدن علنی خواست سناتور جان مک کین که در ماه مارچ ۲۰۰۵ میلادی به کابل سفر کرد، روشن تر و صریح تر گردید، زیرا در ماه حوت ۱۳۸۴ کرسی در جریان مذاکره با جان مک کین به صراحت لهجه اعلام کرد که آرزو دارد امریکا همیشه در کنارشان باشد و در تمامی عرصه ها منجمله عرصه نظامی آنها را یاری رساند! چند روز بعد از آن دیده شد که فرمانده عمومی نیروهای امریکایی در افغانستان اعلام نمود که میدانهای هوای بگرام و قندهار با صرف ده ها میلیون دالر توسعه داده میشود تا ظرفیت پانزده هزار پرواز نظامی در هفته را پیدا نماید!!

هم اکنون این دو میدان هوایی با گنجایش مجموعی یکصد و پنجاه بال طیاره و هلیکوپتر نظامی، مجموعاً ظرفیت چهار هزار پرواز در هفته را دارا میباشند.

بر اساس طرح توسعه میدان های هوایی کشور، توسعه میدان هوایی شیندند ولایت هرات نیز با سرمایه ائی بالغ بر ۴۶۰ میلیون دالر در صدر جدول برنامه های امپریالیستی قرار گرفته و بعنوان یکی از

ایالات متحده امریکا به منظور عصری سازی میدان های هوایی افغانستان وعده سپرده است که مبلغ سه و نیم میلیارد دالر (۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) را در سال ۲۰۰۹ میلادی به مصرف خواهد رساند. جنرال کان (General Cone) قومندان دفتر مشترک انتقال امنیت ایالات متحده امریکا به افغانستان یا - سیستمی (CSTCA) - اعلام نموده است که ازین رقم در خریداری طیارات ترانسپورتی نوع (C27-A)، طیارات اکتشافی و حربی که در دسترس قول اردوی هوایی گذاشته خواهد شد، نیز استفاده به عمل می آید.

دفتر (ECCI) که یکی از شاخص های پر قدرت سیستمی میباشد تا حال توانسته است پروگرام تطبیق پلان سیستمی را از طریق نیروی هوایی ایالات متحده (AFCEE) در میدان های هوایی شیندند ولایت هرات - میدان هوایی بگرام و میدان هوایی قندهار به مرحله اجراء بگذارد. خانم الینا نیاندرنا که قومندان و نایب اول نیروی بحری ایالات متحده امریکا است در بازدید از میدان هوایی شیندند ولایت هرات به تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸ از تطبیق پلان کار دفتر (ECCI) ای سی سی آی اظهار رضایت کامل نموده است.

جنرال کان در مصاحبه ای با خبرگزاری پژواک افغانستان که به تاریخ ۲۵ میزان ۱۳۸۷ انجام داد گفت از مجموع مبلغ فوق تنها ۳۵۰ میلیون دالر را برای خریداری ۱۹ بال طیارات ترانسپورتی نوع (C27-A) اختصاص داده است، که طیاره های (C27-A) جایگزین طیارات ترانسپورتی موجوده قول اردوی قوای هوایی (AN-۳۲) و (AN-۲۶) خواهد گردید.

طبق آخرین گزارشاتی که توسط وزارت دفاع رژیم ارائه شده این وزارتخانه در مجموع ۳۳ فروند طیاره در اختیار دارد که از مجموع کل ۳۳ فروند فقط ۱۸ بال طیاره فعال میباشد. قبل برین نیز ستر جنرال

پایگاه های دائمی نیروهای اشغالگر امریکایی در افغانستان به شمار میرود. هزینه در نظر گرفته شده این میدان باید تا ختم سال ۲۰۱۳ به مصرف برسد و این میدان باید با ظرفیت

استقرار نیروی ۱۸۰۰۰ نفری و ۱۱۰۰۰ پرواز نظامی در هفته به بهره برداری سپرده شود!

بر اساس پلانیهای از پیش طرح شده توسط سیستمیک طرفیت پرواز نظامی میدان هوایی شیندندالی ختم سال ۲۰۱۳ باید به بیش از ۲۳ پرواز نظامی در ساعت ارتقاء نماید. هم اکنون با وجودیکه خط پلستر میدان هوایی شیندند از لحاظ تخنیکي چندان مساعد برای فرود و فراز طیارات نیست ولی با آنهم طیاره های ترانسپورتی نیروهای ناتو و ایساف در آن نشست و برخاست دارند! بر اساس طرح و پلان سیستمیکا بازسازی این میدان به تاریخ ۲۲ جولای ۲۰۰۷ سردست گرفته شد و کماکان ادامه دارد. نیروهای امپریالیستی در کنار ارتقاء ظرفیت میدان های هوایی زندان های خصوصی ای را نیز در درون میدانها اعمار نموده اند که از آن جمله میتوان زندانهای خصوصی میدان هوایی بگرام را نام برد که شامل دو زندان فرعی و یک زندان عمومی می باشد. به عین ترتیب میدان هوایی شیندند ولایت هرات نیز حدود دو زندان فرعی (تک سلولی) و یک زندان عمومی (اتاقهای پنجاه نفره) را دارا میباشد.



در کنار اعمار زندانهای خصوصی در درون میدان های هوایی کشور، اشغالگران امپریالیستی هم اکنون ۳۰ زندان در سراسر کشور دارند که اگر بطور اوسط بخواهیم محاسبه نماییم به خوبی دیده میشود که برای هر ولایت یک زندان خواهد رسید! البته ناگفته نباید گذاشت که این آمار و ارقام عبارت از آمار وارقای است که تا حال افشاء شده است. تعداد زندان های افشاء نشده هنوز معلوم نیست. زندانهای افشاء شده کنونی نیز مدت ها در پرده راز نگه داشته شده بودند. وجود اینگونه زندانها نیز وجه دیگری از " امنیت" ادعائی

امپریالیستهای اشغالگراست.

راز زندانهای کثیف امپریالیستها برای اولین مرتبه در عراق افشاء گردید. زندان ابوگریب از جمله کثیف ترین زندان عراق به شمار رفته است! در این زندان امپریالیستهای اشغالگر و متجاوز کثافت کاری های ضد انسانی شان را در مقابل زندانیان عراقی، پنهان کرده بودند، ولی بالاخره طشت رسوائی شان به صدا درآمد و معلوم گردید که این مدعیان تامین دموکراسی و حقوق بشر در جهان، علیه زندانیان عراقی به آنچه اعمال ضد انسانی و ضد دموکراتیک متوسل شده اند که روی شکنجه گران صدامی را شسته اند!



به تعقیب افشاء زندان های کثیف اشغالگران در عراق، زندانیان افغانستانی که توسط امپریالیستهای امریکایی اسیر شده و به درون زندانهای مخوف داخل افغانستان نگهداری شده بودند نیز دست به افشاگری زدند. از آنجمله میتوان از شیوه شکنجه یک افسرنظامی میان سال با رتبه دگروالی که در سنبله ۱۳۸۳ (سپتامبر ۲۰۰۴) از زندانهای خصوصی امپریالیستها در درون کشور آزاد شده بود، یاد کرد. این افسرمیان سال فاش کرد که توسط نظامیان امریکایی دستگیر گردیده بود و در یکی از زندانهای آنها مورد شکنجه و آزار جسمی، روحی و حتی تجاوز جنسی قرار گرفته است!

این موضوع و به تعقیب موضوعات دیگر که یکی پی دیگری افشاء گردید نشان داد که در درون خاک کشور، امپریالیست های اشغالگر، ۳۰ زندان بنا کرده اند و زندانیان را در آنها شکنجه می نمایند. از میان مجموع زندانبانان و شکنجه گران زندان های سی گانه، تنها سه زندانبان و شکنجه گر امریکایی در سال ۱۳۸۳ محاکمه گردیدند و دلیل این محاکمه هم این بود که رژیم دست

نشاندن نشان دهد که گویا این رژیم پوشالی صاحب اختیاراتی عام و تام است و میتواند حتی امریکایی ها را محاکمه نماید. اما جریان محاکمه این سه امریکایی و همدستان افغانستانی شان، خود به رسوائی دیگری برای اشغالگران امریکایی و رژیم دست نشاندن مبدل گردید.

حال دیده میشود که در کنار سی زندانی که در ولایات کشور اعمار شده و مورد استفاده امپریالیستهای اشغالگر قرار دارند، بازهم برنوسازی و اعمار زندانهای بیشتر حتی در درون میدان های هوایی ادامه دارد.

عصری سازی میدان های هوایی کشور مفهومی جز تحکیم و گسترش نیروهای متجاوز امپریالیستی در درون این آب و خاک، در بر ندارد. همچنان اگر به نزدیک سفارت امریکا در کابل رفته باشید بخوبی مشهود است که حدود شصت و شش هزار مترمربع زمین را به مدت پنجاه سال در اختیار سفارت مذکور قرار داده اند. به یقین کامل وسایل استخباراتی، نظامی و بخشهای حساس فرماندهی قوای امریکائی و استخبارات ان در افغانستان در این



همچنان ساحه وسیعی در مرکز شهر هرات در اختیار قونسولگری امریکا قرار گرفته است و این ساحه وسیع نیز به میدان پرواز برای نشست و برخاست هلیکوپترهای نظامی امریکا مبدل گردیده است. همچنین یک کمپنی ایتالیوی به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۸ انتشار کرد اعلام نمود که ایالات متحده امریکا یک قرارداد ۲۸۷ میلیون دلاری را در زمینه فراهم نمودن طیارات کارگویی تاکتیکی برای قوای نظامی در افغانستان منظور کرده است. کارخانه تولید طیارات "فمنیکانسا" با نشر این بیانیه گفت که کمپنی کمکی "الینا نارت امریکا" ۱۸ طیاره تازه ترمیم شده اش را که برای حمل و نقل و باربری میباشد برای افغانستان فراهم کرده است. این کمپنی گفته است که وسایل مبدل ساختن دو طیاره را برای انتقال مقامات عالی رتبه نیز

فراهم خواهد کرد، البته این طیارات از سال ۲۰۰۹ میلادی الی سال ۲۰۱۱ میلادی به افغانستان و نیرویهای امریکایی سپرده خواهد شد. طیارت حمل و نقل "جی ۲۲۲" قابلیت انتقال ده تن کارگو، ۳۶ مریض و وسایل حمل و نقل را خواهند داشت. این طیارات توسط قوای هوایی کشور ایتالیا تا سال ۲۰۰۵ مورد استفاده قرار داشته است. با در نظر داشت طرح بازسازی و عصری سازی میدانهای هوایی کشور می توان گفت که امپریالیستهای امریکایی نه تنها هیچگونه تصمیمی برای خروج نیروهایشان از افغانستان در ندارند بلکه بصورت کلی تصمیم دارند تا مناطق سوق الجیشی افغانستان را بعنوان پایگاه های دایمی شان در منطقه تثبیت نمایند تا بخوبی بتوانند بر کل اوضاع منطقه نظارت داشته باشند. در

این میان هیزم سوخت جنگهای غارتگرانه شان را اردوی افغانستان تامین میکند. اینگونه تامین به اصطلاح امنیت افغانستان نه تنها به نفع مردمان این آب و خاک نیست بلکه به نفع منطقه و جهان نیز تمام نخواهد شد. امپریالیستها برای اینکه بتوانند بخوبی بر اوضاع مسلط شوند رژیم دست نشانده و پوشالی مانند رژیم کنونی را انتخاب کرده و پرورش میدهند و اردویی را نیاز دارند که انقیاد طلب و تسلیم طلب بوده و زیر چتر امپریالیستها و تحت رهبری و هدایت آنها حرکت نماید.

این است جنبه معینی از نقش و کارکرد نیروهای اشغالگر امپریالیستی برای تامین امنیت در افغانستان!

دونکته حساس!

ضعف ظاهری، قوت باطنی افغانستانی ها قوت ظاهری، ضعف باطنی امپریالیستها!

کوچی های ولایت لغمان، که در جمع خبرنگاران صحبت میکرد چنین گفت: " ما به منطقه رفتیم و منطقه را کاملا مشاهده کردیم، حرف کوچی ها کاملا حقیقت دارد زیرا ما مرمی های پیکا و کلاشینکوف و همچنان پوچک هایی را که شب گذشته (۳ دسامبر - ساعت ۱:۳۰ بامداد) شلیک شده بود با چشم سر مشاهده نمودیم. وی در ادامه صحبت اش افزود: " ما تحقیقات خود را انجام دادیم، شمار زیادی از اجساد مواشی را که در منطقه بود مشاهده کردیم، در این زمینه راپور دقیق خود را به مقام ولایت ارائه خواهیم کرد."

همچنان مل پاسوال عبدالکریم عمریار، قومندان امنیه لغمان این مسئله را در جمع خبرنگاران تایید نمود و گفت: " شام گذشته نیروهای امریکایی در چوکات آیساف بر مره های کوچی ها حمله کردند.

حادثه را داشتند! احتمال رسیدگی به این نوع حادثات تقریباً صفر است و تنها می تواند نوعی دلجویی اقتصادی را در بر بگیرد زیرا دولت دست نشانده همراه با اربابان امپریالیستی اش صرفاً میتوانند از محل حادثه بازدید به عمل آورده و بعد از پذیرفتن گناه شان خسارات وارده بر کوچی ها را پردازند!!! اگر به عوض این مواشی ها، انسانهای بیگناه سرزمین افغانستان میبود! آنگاه جبران این خسارات را چگونه میپرداختند؟ البته این خود سوالی است که نه دولت دست نشانده از آن خوشش میاید و نه هم اربابان امپریالیستی اش!

به هر حال، باشندگان محل احتجاج کردند؛ اما دولت دست نشانده معاون مدیریت کوچی های ولایت لغمان را در راس هیاتی، جهت بررسی حادثه به منطقه اعزام کرد. آقای میرگل طوفان (معاون مدیریت

برای این گفته چه ثبوتی را میتوان بهتر از حمله هوایی نیروهای امریکایی بالای رمه های مواشی در دشت مهترلام ولایت لغمان به میان آورد؟ طبق آخرین گزارشات رسیده از دشت مهترلام ولایت لغمان روز چهارشنبه مورخ ۳ دسامبر ۲۰۰۸ مطابق ۱۳ قوس ۱۳۸۷ هجری - شمسی، حوالی ساعات یک و نیم صبح هلیکوپترهای نظامی امریکا رمه های مواشی را مورد هدف قرار دادند که ۲۰۰ راس از مواشی دشت مهترلام هلاک گردیدند. این مواشی که مربوط کوچی های منطقه ابراهیم خیل بودند، در ساحات کاژه کمر و شین دند منطقه گروچ مهترلام، مورد حمله هوایی نیروهای امپریالیستی قرار گرفتند. باشندگان منطقه بطور احتجاج در مقام ولایت لغمان گرد آمدند و از دولت دست نشانده تقاضای رسیدگی به

" وی که در جمع خبرنگاران صحبت مینمود این حمله را یک اشتباه محض دانسته و افزود: " این مسئله را متیقین هستیم که یک اشتباه محض است، زیرا نیروهای آیساف گمان مخالفین را بر رومه ها نموده بودند. " وی در ادامه افزود: " آیساف راپور به دست آورده بود که حدود یکصد مخالف مسلح در منطقه دشت مهترلام در حال بیرون شدن هستند!! " قومندان امنیه لغمان در خاتمه افزود: " آیساف اشتباه خود را پذیرفته و کمیسیون را برای معلوم کردن خساره تعیین نموده تا بعدا خساره را پردازد! " دولت دست نشانده گناهی را پذیرفته و همچنان نیروهای آیساف به " اشتباه " خویش پی برده اند. بدین خاطر برای مردمان کوچی وعده سپردند که در بدل تلفات ناشی از به اصطلاح بی دقتی نیروهایشان خساره پردازند!! " آیا میتوان این واقعه را یک اشتباه محض نامید؟ آیا میتوان این حادثه را بی دقتی گفت؟ آیا میتوان این جنایت ارتکاب شده امپریالیستها را تامین امنیت دانست؟ آیا میتوان بدین اندازه برای امپریالیستها اجازه داد که در درون خاک کشوری دیگر دست به هرگونه جرم و جنایت بزنند، آنگاه ادعا کنند که حادثه بوده و اتفاق افتاده و جبران پذیر است؟ چه جبرانی؟ آیا پول تنها راه حل مسائل اتفاق افتاده خواهد بود؟ آیا با دادن مبلغی برای مردمان کوچی میتوان این حادثه را پامال کرد؟ آیا نمیتوان چنین سوالی را مطرح کرد که اگر به عوض رومه های مواسی انسانهای بیگناه کوچی ها میبود، آیا بازهم جبران پذیر میبود؟ آیا دولت در مقابل کشته شدن هزاران انسان بیگناه این سرزمین که از آغاز تهاجم نظامی امپریالیستها تا الحال در گوشه و کنار کشور اتفاق افتاده کدام جبران خساراتی را برعهده گرفته است؟ غیر از تاسف! غیر از دعای نیک برای بازماندگان و صبر جمیل برای خانواده های کشته شدگان!

تف به نظام منحط حاکم!!! نظامی که پایه و اساس اش انقیاد طلبی، تسلیم طلبی و بزدلی باشد بهتر ازین نه میتواند باشد و نه هم خواهد بود! اینچنین نظام پوشالی را حتی تاریخ پنج هزار ساله افغانستان هم یاد نمیدهد چه رسد به ما نسل جوان کشور! مردمان آزادیخواه کشور! به هوش باشید که امپریالیستها از هرگونه جرم و جنایتی که بخواهند استفاده به عمل میاورند! اما بدانید و به یاد داشته باشید که این نیروی قلدرمنش غرب که امروزه خون میلیونها انسان بیگناه را بی مهابا به نوشیدن گرفته برای غارت و چپاول به این سرزمین سرازیر شده نه برای تامین صلح و رفاه! کشتار مردمان بیگناه، بمبارانهای خودسرانه نیروهای امپریالیستی به رهبری امریکا، فلاکت، بدبختی، رنج و مشقت و هزاران هزار ستم دیگر که امروزه از سرو صورت امپریالیستها میبارد نصیب این توده تحت ستم کشور گردیده است! حمله هوایی نیروهای امپریالیستی بالای مواسی دشت مهترلام ولایت لغمان به خوبی به اثبات میرساند که امپریالیستها تا چه حد بزدل و ترسو هستند و این ترس همان ضعف باطنی را میسازد که توده های رنجدیده افغانستان از آن مستثنی هستند! توده های مبارز افغانستان در طول سالیان سال بر علیه استعمار پیرانگلیس رزمیدند و آنچنان درس عبرتی برایشان دادند که تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد! توده های مبارز افغانستان در جریان مقاومت علیه سوسیال امپریالیستهای شوروی نیز رزمیدند و آنچنان درس عبرتی برایشان دادند که تاریخ هرگز نمیتواند از آن یادی به عمل نیاورد! و امروزه مردمان سلحشور کشور در مقابل ابرقلدران امپریالیستی قرار دارند که سراپای این سگ صفتان امریکایی را ترس و واهمه فرا گرفته است. مردمان ما امروزه در مقابل بیرهای کاغذین قرار گرفته اند که سراپایشان بزدلی و ترس مستولی شده است! گرچه با بهترین تجهیزات و اسلحه

جات و مهمات مدرن مجهزاند. اما ما نیز تکنولوژی پیشرفته را اتخاذ خواهیم کرد، ولی این نمیتواند لزوم استفاده از تکنولوژی عقب افتاده برای یک دوره را منتفی سازد. در جنگهای انقلابی همواره کسانی پیروز شده اند که سلاحهایشان ناکافی بوده است و آنهایی بازنده شده اند که از نظر تسلیحاتی برتری داشته اند. بدین اساس میتوان متکی بر نیرو و اراده خود باقی ماند و ناگفته نماند که " اگر کسی نتواند بجنگد مگر آنکه مدرترین سلاح هارا داشته باشد چنین چیزی معادل خلع سلاح کردن خود است. " نیروهای امپریالیستی اگر چه با تجهیزات مدرن مجهزاند ولی این قوت ظاهری شان بازهم کاری به دست نمیدهد غیر از شکست و عقب نشینی شان در مقابل توده بی دفاعی که با سنگ و چماق میتوانند بر آن ها حمله ور شوند! این موضوع را تاریخ پر درد و رنج توده های رنجدیده و ستمکشیده این آب و خاک در سینه خود جای داده و به اثبات رسانیده است. مردمان سلحشور و آزاده این سرزمین آنچنان قوت باطنی نهفته شده ای دارند که اگر در مسیردرست مبارزاتی به حرکت افتد هیچ دژ فولادینی قادر به سد شدن در مسیر مبارزاتی اش نخواهد بود. با توجه به رسالت تاریخی نیروهای آگاه، با استواری و ثبات راستین بیاید تا دست در دست هم داده این بیرکاغذین را از پای در آوریم و از نیروی باطنی که در ما ذخیره گردیده نهایت استفاده را نماییم! اربابان امپریالیستی دولت دست نشانده آنچنان در ترس و وهم به سرمیبرند که در سرانجام قدرت ایستادگی در مقابل توده های مقاوم این سرزمین را نخواهند داشت. به امید روزی که توده های رزمنده این سرزمین دست در دست هم داده برای فردای بهتر دوشادوش هم و بطور خستگی ناپذیر به مقاومت ملی، مردمی و انقلابی پردازند.

پنجمین آلبوم هنری

جنبش انقلابی جوانان افغانستان به دست نشر سپرده شد

هموطنان عزیز!

بیاید تا سالروز تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان را تقبیح نمائیم و مقاومت علیه اشغالگران کنونی و خائنین ملی دست نشانده شان را اصولی، قاطع و سرتاسری سازیم!

طوریکه به به یاد دارید، سوسیال امپریالیستهای شوروی با تهاجم نظامی خود در ششم جدی ۱۳۵۸ به افغانستان و اشغال کشور توسط سربازان متجاوزشان که استقلال، آزادی ملی، منافع و حقوق خلق های کشور را زیر چکمه های ارتش تجاوزگر پامال نمود؛ آن حرکتی بود که کشور ما را به یک مستعمره تحت اشغال مبدل کرد. در عین حال این حرکت سوسیال امپریالیستی تجاوزکارانه گامی بود در جهت نزدیک شدن تزاران نوین به آبهای گرم بحر هند و خلیج فارس که منافع بلوک امپریالیستی رقیب سوسیال امپریالیزم شوروی و نیروهای وابسته اش را در منطقه مورد ضربت جدی قرار داد.

مبارزه ای که بعد از کودتای هفت ثور علیه رژیم مزدور در افغانستان براه افتاد و مقاومت وسیع و سرتاسری ای که علیه قوای متجاوز و اشغالگر سوسیال امپریالیستی در سراسر کشور براه افتاد، عمدتاً مبارزات و مقاومت های خود جوش توده های مردم را در بر می گرفت که در عین حال، تحریکات و مبارزات سیاسی و نظامی نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیزم غرب و ارتجاع منطقه و مبارزات نیروهای انقلابی و ملی را نیز شامل می شد. تسلط فرهنگ فیودالی بر جامعه، موجودیت ماسک دروغین دموکراسی و ترقی خواهی بر چهره رژیم مزدور و ادعاهای انقلابیگری کاذب سوسیال امپریالیزم شوروی، موجودیت رژیم های ارتجاعی در ایران و پاکستان و حمایت بی دریغ امپریالیست های غربی، سردمداران مرتجع چین و ارتجاع عرب، آن عوامل مساعدی بودند که تسلط روز افزون نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیزم غرب و ارتجاع منطقه را بر مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی در افغانستان باعث گردیدند. از طرف دیگر عدم مساعدت اوضاع در سطح بین المللی، منطقه و کشور برای نیروهای انقلابی و ملی از یکسو و انحرافات و راه گمی های ایدئولوژیک - سیاسی انقلابیون کشور و به ویژه عدم موجودیت یک جنبش انقلابی پیشرو که قادر به رهبری انقلابی مبارزات و مقاومت های توده ها باشد از سوی دیگر باعث گردیدند که نیروهای انقلابی و

ملی نتوانند نقش مؤثر، مستقل، پیشرونده و رهبری کننده ای در مقاومت مردم بازی نمایند. این نیروها عمدتاً به دنباله روی از مبارزات و مقاومت های خود بخودی توده های مردم پرداختند و حتی در قبال نیروهای ارتجاعی فیودالی مواضع تسلیم طلبانه ای اتخاذ کردند. این امر اگر از یکجانب باعث ضربت خوردن پیهم و مداوم نیروهای متذکره گردید و نقش آنها را در مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی از لحاظ سیاسی و نظامی روز به روز کاهش داد، از جانب دیگر در پهلوی سایر عوامل مساعد بحال نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیزم غرب، زمینه مساعد دیگری نیز بوجود آورد تا آنها بتوانند بطور روز افزونی مبارزات و مقاومت های خود جوش توده های مردم را تحت تسلط خود قرار دهند.

در هر حال، مقاومتی که سوسیال امپریالیزم شوروی در افغانستان با آن رو برو شد، فصل خونینی از مبارزات ملل و خلق های تحت ستم علیه امپریالیزم جهانی را تشکیل داد. این مقاومت از یکجانب ضربه پذیری و شکست پذیری سوسیال امپریالیست ها و امپریالیست ها را علیرغم توانایی های مهیب نظامی و تسلیحاتی شان نشان داد و از جانب دیگر ظرفیت جانبازی بی همتای مردمان کشور را در مقابله علیه یک ابر قدرت اشغالگر به نمایش گذاشت. سببیت نظامی سوسیال امپریالیست ها در طول دوره تقریباً یک دهه اشغال و مقاومت علیه آن، در حدود دو میلیون کشته و معلول، شش میلیون آواره و تخریب هزاران روستا و چندین شهر را بر مردمان کشور تحمیل نمود. اما مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی علیرغم عدم موجودیت رهبری انقلابی در راس آن، با فتور جدی مواجه نشد و فروکش نکرد، بلکه خروشان به پیش رفت و ضربات کاری بر پیکر اشغالگران وارد آورد.

مقاومت افغانستان یکجا با سایر عوامل بین المللی و عوامل داخلی " شوروی " باعث گردید که سوسیال امپریالیست ها در چوکات استراتژی عمومی گرباچوف (پروستریکا و گلاسنوست) در صدد عقب

کشی از افغانستان بر آید.

اینک که یکبار دیگر افغانستان تحت اشغال قرار دارد و قوای اشغالگر و رژیم دست نشانده بر آن فرمان میرانند، ضرورت آن وجود دارد که خاطره تلخ و دردناک تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان و اشغال این کشور در ششم جدی ۱۳۵۸ و پیامد های گوناگون فاجعه بار آن، که از اذهان مردم زحمتکش کشور پاک نشدنی است، از یکطرف و خاطره افتخار آمیز مقاومت حماسی و جانانه در مقابل اشغالگران سوسیال امپریالیست و مزدوران شان از طرف دیگر، در خدمت به برپایی و پیشبرد مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران کنونی و رژیم دست نشانده آنها بیشتر از پیش پروراند شود.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان با انتشار آلبوم هنری پنجم خود، سالروز تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان را تقبیح می کنند و یاد جانباختگان راه آزادی و استقلال را گرامی می دارند. ما یکبار دیگر تعهد میندیم که برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر کنونی و سرنگونی رژیم دست نشانده آنها از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نخواهیم کرد و درین مبارزه و مقاومت تا آخرین لحظه از پای نخواهیم نشست. ما تمامی نیروهای ملی، مترقی و انقلابی و تمامی اقشار و طبقات مردمی جامعه اعم از زن و مرد را به اتحاد عمل مبارزاتی و مقاومت همسو و مشترک در چوکات مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده فرا میخوانیم. ما برین باوریم که فقط با برپایی و پیشبرد موفقیت آمیز چنین مبارزه و مقاومتی قادر خواهیم شد اشغالگران را از کشور بیرون برانیم، رژیم دست نشانده را از میان برداریم و با ایجاد قدرت ملی مردمی و انقلابی در مسیر تامین خواست های اساسی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی توده های مردم، به پیش گام برداریم.

به پیش درراه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان - دسته هشت

مارچ زنان افغانستان

ششم جدی ۱۳۸۷

با درس آموزی از مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی
به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی
علیه اشغالگران کنونی و خائنین ملی دست نشانده شان!

با فرا رسیدن ششم جدی ۱۳۸۷ بار دیگر خاطرات تلخ و فراموش ناشدنی تجاوز قوت های نظامی سوسیال امپریالیستی به افغانستان و اشغال این کشور توسط آنها، که استقلال، آزادی ملی، منافع و حقوق خلق های کشور را پامال نموده و کشور ما را به یک مستعمره تحت اشغال مبدل کرد، در اذهان توده های رنج دیده این دیار و مردمان سائر کشور های جهان بیشتر از پیش زنده می گردد. در عین حال این حرکت سوسیال امپریالیستی گامی بود در جهت نزدیک شدن تزاران نوین به آبهای گرم بحر هند و خلیج فارس که منافع بلوک امپریالیستی رقیب سوسیال امپریالیزم شوروی و نیرو های وابسته اش را در منطقه مورد ضربت جدی قرار داد.

درست ۲۹ سال از زمان آغاز تجاوز سوسیال امپریالیستهای شوروی به این سرزمین در ششم جدی ۱۳۵۸ میگذرد، اما نکته ای را که تاریخ فراموش نخواهد کرد همانا مقاومت های خود جوش توده های مردم در مقابل سوسیال امپریالیستهای شوروی است. جانفشانی های خود جوش توده بی، گرچه توسط مرتجعین غصب گردید، اما آزادمشغی مردمان این خطه را ثابت ساخت و نشان داد که مردمان آزادیخواه این سرزمین در مقابل هیچ قدرت اشغالگر خارجی سرتسلیم خم نمی نمایند.

همزمان با مقاومت های خود جوش توده بی، تحریکات و مبارزات سیاسی و نظامی نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیزم غرب و ارتجاع منطقه و مبارزات نیروهای انقلابی، دموکرات و ملی نیز شروع شد و رو به وسعت نهاد. اما تسلط فرهنگ فئودالی بر جامعه، نقاب کاذب ترقی خواهی، دموکراسی و حقوق خلق بر چهره رژیم مزدور و ادعای دروغین انقلابیگری سوسیال امپریالیزم شوروی و حمایت بی دریغ امپریالیستهای غربی، سردمداران مرتجع چینی و ارتجاعیون ایران، پاکستان و عرب از یکجانب و عقبماندگی سیاسی توده ها، انحرافات، کجروی ها و ناتوانی نیروهای انقلابی، دموکرات و ملی و ضعف جنبش انقلابی در سطح جهانی، از جانب دیگر، آن عوامل مساعدی بودند که تسلط روز افزون نیروهای ارتجاعی بر مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی در افغانستان را باعث شدند.

مقاومت افغانستان یکجا با سایر عوامل بین المللی و عوامل داخلی " شوروی " باعث گردید که سوسیال امپریالیست ها در چوکات استراتژی عمومی گریباچوف (پروستریکا و گلاسنوست) در صدد عقب کشی از افغانستان بر آیند. هنگامیکه روسها تصمیم به عقب کشی از افغانستان گرفتند، اولین اقدامشان تغییر مهره یعنی واگذاری قدرت به داکتر نجیب بود، خروج قوای اشغالگر از افغانستان تا اواخر ماه دلو سال ۱۳۶۸ تکمیل گردید. اما تا زمانیکه سوسیال امپریالیزم شوروی وجود داشت و به رژیم نجیب کمک می رساند، این رژیم توانست به موجودیت خود ادامه دهد. ولی فروپاشی " شوروی " در اواخر سال ۱۳۷۰ ناقوس مرگ رژیم نجیب را به صدا در آورد.

با سقوط رژیم وابسته به روسها در سال ۱۳۷۱ باندهای ارتجاعی اسلامی به قدرت رسیدند. آنها برای داشتن دست بالا در حکومت علیه همدیگر به جنگ پرداختند. هر یک از آنها از یکطرف به سرکوب توده ها می پرداختند و از طرف دیگر جنگ های ارتجاعی خانمان سوز داخلی را ادامه می دادند. این دوره، دوره جنگسالاران جهادی فیودالی، دوره ترور و اختناق، دزدی، چپاول و غارت اموال مردم و تجاوز گسترده به زنان بود. قدرت های امپریالیستی و کشورهای ارتجاعی منطقه تلاش می ورزیدند تا با دادن پول و سلاح به باندهای وابسته خویش هر چه بیشتر به آتش جنگ داخلی دامن بزنند. این جنگهای خانمانسوز ارتجاعی داخلی در دوره طالبان نه تنها پایان نیافت بلکه ابعاد آن گسترده تر و خونریزی ها و تخریبات آن وسیع تر گردید.

امپریالیستهای امریکایی در سال ۲۰۰۱ با بهانه قرارداد حادثه یازدهم سپتامبر، کارزار تجاوز کارانه و اشغالگرانه شان را تحت نام " جنگ ضد تروریسم " براه انداختند و جهت عملی نمودن و پیشبرد آن، ائتلاف بین المللی امپریالیستی و ارتجاعی وسیعی را به وجود آوردند. آنها یکجا با سائر متحدین و دنباله روان شان افغانستان را مورد تجاوز و اشغال خویش قراردادند. هر روزی که از مدت اقامت نیروهای اشغالگر امریکایی و متحدین و دنباله روان امپریالیستی و ارتجاعی شان در این سرزمین میگذرد، تعداد نیروهای شان افزون تر می گردد. در ابتدای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، مجموع نیروهای اشغالگر به ۲۵۰۰۰ نفر می رسیدند. اما تا تابستان امسال مجموع این نیروها به ۷۸۰۰۰ نفر رسیدند. قرار است تا بعد از انتقال قدرت از بوش به بارک اوباما به تعداد ۳۰۰۰۰ نفر دیگر از نیروهای امریکایی به این کشور سرازیر شوند.

اینکه که یکبار دیگر افغانستان تحت اشغال قرار دارد و قوای اشغالگر و رژیم دست نشانده بر آن فرمان میرانند، ضرورت آن وجود دارد که خاطرات تلخ و دردناک تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان و اشغال این کشور در ششم جدی ۱۳۵۸ و پیامد های گوناگون فاجعه بار آن، که از اذهان مردم زحمتکش کشور پاک نشدنی است، از یکطرف و خاطرات افتخار آمیز مقاومت حماسی و جانانه در مقابل اشغالگران سوسیال امپریالیست و مزدوران شان از طرف دیگر، در خدمت به برپایی و پیشبرد مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران کنونی و رژیم دست نشانده آنها بیشتر از پیش پروراند شود.

ما منسوبین جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان سالروز تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان را تقبیح می کنیم و یاد جانباختگان راه آزادی و استقلال را گرامی می داریم و تعهد می بندیم که برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر کنونی و سرنگونی رژیم دست نشانده آنها از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نماییم و درین مبارزه و مقاومت تا آخر از پاننشینیم.

ما تمامی نیروهای ملی، مترقی و انقلابی و تمامی اقشار و طبقات مردمی جامعه اعم از زن و مرد را به اتحاد عمل مبارزاتی و مقاومت همسو و مشترک در چوکات مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده فرا میخوانیم. ما برین باوریم که فقط با برپایی و پیشبرد موفقیت آمیز چنین مبارزه و مقاومتی قادر خواهیم شد اشغالگران را از کشور بیرون برانیم، رژیم دست نشانده را از میان برداریم و با ایجاد قدرت ملی مردمی و انقلابی، در مسیر تامین خواست های اساسی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی توده های مردم، به پیش گام برداریم.

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم پושالی!
جنبش انقلابی جوانان افغانستان - دسته هشت مارچ زنان افغانستان
ششم جدی ۱۳۸۷

بمباران قریه بخت آباد - زیر کوه ولسوالی شیندند ولایت هرات
توسط امپریالیستهای اشغالگر امریکایی
به شدت قابل تقبیح است

گزارشگر پیکار جوانان
۳ جدی ۱۳۸۷

شب گذشته طی حملات ناجوانمردانه ای قریه بخت آباد ولسوالی شیندند مورد بمباران هوایی قرار گرفت که در نتیجه ۲۵ نفر غیرنظامی کشته شدند. در میان این قربانیان شمار زیادی کودکان و زنان نیز دیده میشود. این بمباران که از ساعات ده شب گذشته شروع شد الی ساعات ۹ صبح امروز سه شنبه سوم جدی ادامه داشت و اکنون وضع به حالت عادی برگشته است.

مردمان بی دفاع بخت آباد در اعتراض به آنچه بی توجهی خوانده شده دست به شکایت زده اند. ارتش جنایتکار امپریالیستی به رهبری امپریالیزم امریکا اینگونه عملیاتهای خودسرانه را باربار تکرار نموده است. در طول دوره حکومت کرزی این شاه شجاع سوم این چندمین بار است که ولسوالی شیندند ولایت هرات شاهد چنین فجایع اسفباری میباشد. این بمبارانها عموماً مردمان ملکی را زیر ضربت خود قرار داده و تلفات مالی و انسانی بیار می آورد.

یکی از جنایات برجسته امپریالیستها نابودی نسل بشر در روی کره خاکی است که توسط یکی از جاسوسان سازمان استخباراتی ایالات متحده امریکا بنام "جان کولمن" در کتاب کمیته ۳۰۰ به خوبی تشریح گردیده است. چنانچه وی ذکر نموده است دولت بریتانیا و سازمانهای اطلاعاتی و شبکه های استخباراتی ایالات متحده امریکا به رهبری باشگاه روم چنین فیصله نموده که باید تا سال ۲۰۵۰ میلادی حدود یک میلیارد نفوس کره خاکی کم گردد. علت این تصمیم احمقانه امپریالیستها در کتاب کمیته ۳۰۰ بخوبی به تصویر کشیده شده است.

هرچه زمان میگذرد بخوبی دیده میشود که امپریالیستها مردمان ملکی افغانستان را بیشتر از گذشته زیر آماج حملات وحشیانه و ددمنشانه خویش قرار می دهد.

به این اساس باید برای جلوگیری از چنین فجایع اسفباری در آینده، هرچه سریعتر دست بکار شد و به بسیج فشرده جوانان، بالا بردن درک و فهم سیاسی شان از اوضاع روز در کشور و جهان، تبلیغ و ترویج در راه تامین وحدت یکپارچه مردمی برضد امپریالیستها، دعوت به اتحاد عمل مبارزاتی و سازماندهی واحد در برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم مزدور و دست نشانده شان، پرداخت. بدون شک در صورت عدم اجرای درست و اصولی این وظایف مبارزاتی دستیابی به موفقیتهای مزید آینده غیر قابل پیش بینی خواهد بود.

مرگ بر امپریالیستهای اشغالگر امپریالیستی!

زنده باد مبارزات برحق مردمان زیر کوه شیندند در مقابل متجاوزین و اشغالگران!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

سوم جدی ۱۳۸۷

به دفاع از مردم ستمدیده فلسطین پیاخیزید

و

علیه صهیونیزم و امپریالیزم بسیج شوید!

حادثه جانگداز غزه که میلیونها انسان را در سراسر جهان داغدیده نموده، حادثه ای جنایتکارانه، تجاوزکارانه و فجیعی است که یکی از غمبارترین صفحات تاریخ المناک فلسطین اشغالی را می سازد. حملات دد منشانه نیروهای اشغالگر اسرائیلی که از روز شنبه ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ با بیش از شصت طیاره جنگی بالای غزه آغاز گردیده است، تا حال منجر به کشته شدن و زخمی گردیدن تقریباً دو هزار نفر از اهالی فلسطین گردیده است. این حملات در حالی شروع شده و ادامه میابد که بوش و دار و دسته اش در آستانه سال جدید میلادی به جشن نشسته و در شادی و سرور به سرمیرند. حملات ددمنشانه نیروهای اشغالگر اسرائیلی که با پشتیبانی امپریالیستهای امریکایی همراه بوده است باعث شده که وضعیت فلاکت بار و درد انگیز فلسطین اشغالی را بیشتر از پیش تشدید گردد.

امپریالیزم امریکا در موضع گیری اش، فلسطینیان و نه اسرائیل را سرزنش و ملامت نموده و میگوید که آنها عامل جنگ کنونی اند. به نظر امپریالیست ها، نه تنها خلق فلسطین، بلکه خلقهای سراسر جهان باید به انقیاد امپریالیست ها و صهیونیستها تن در دهند، در غیر اینصورت دفاع از سرزمین، حقوق و شرافت جرم به شمار رفته و آنها مجرم شناخته میشوند، اما تجاوز، قتل مردم بیگناه و ویرانی مناطق مسکونی توسط صهیونیست ها جرم و جنایت نیست!

مردمان ستمدیده جهان!

برای از بین بردن تجاوزات و اشغالگری های امپریالیستی و صهیونیستی باید به پا خاست و مبارزات بر حق و عادلانه خویش علیه امپریالیزم و کلیه وابستگان بومی شان را تا سرنگونی کامل آنها، تحت رهبری پیش آهنگ انقلابی به پیش برد.

در طول دوره تقریباً شصت ساله اشغال فلسطین توسط ارتش اسرائیل مبارزات فلسطینیان علیه صهیونیزم و امپریالیست های مدافع صهیونیزم ادامه داشته است. اشغالگران اسرائیلی بخاطر دوام اشغال و حفظ سلطه شان مداوماً به کشتار و قتل عام فلسطینیان پرداخته و به این طریق تا حال فلسطین را در قبضه خویش نگهداشته اند.

در این برهه از زمان که تمام جهان در آتش بیداد امپریالیست ها میسوزد، توده های فلسطینی به عزای فرزندان سرزمین شان نشسته اند. زنان و کودکان، پیر و جوان در این آتش میسوزند و صدای ناله های میلیونها انسان ستمدیده و داغدیده از گوشه و کنار فلسطین به گوش میرسد.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان حملات اشغالگرانه و خائنانانه نیروهای اسرائیلی بر غزه را به شدت تقبیح مینمایند و تمامی نیروهای ملی، مترقی و انقلابی سراسر جهان را به هماهنگی مبارزاتی علیه نیروهای اشغالگر اسرائیلی و حامیان امپریالیستی شان (امپریالیزم امریکا) فرامیخوانند.

فلسطینیان باید به یاد داشته باشند که مبارزات آنها علیه استعمارگران و اشغالگران اسرائیلی در این مدت ادامه داشته و نباید در مقابل این ابرقلدران ددمنش سرتسلیم فرودآورند، بلکه باید درس عبرتی بیاد ماندنی به تمامی سردمداران و نیروهای متجاوز اسرائیلی بدهند.

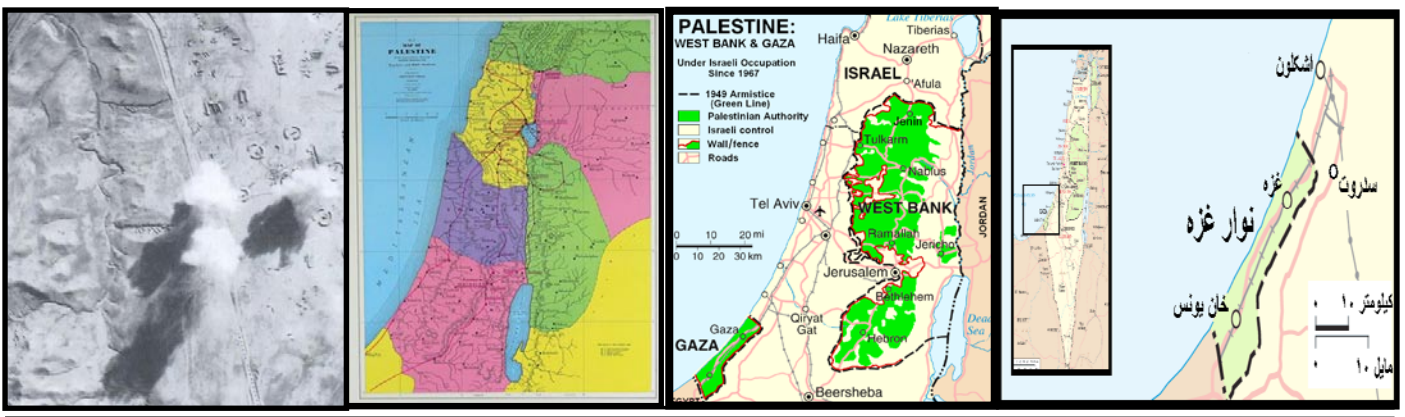
جنایات هولناک اشغالگران اسرائیلی را باید به شدت تقبیح کرد، باید بخاطر بیرون راندن اشغالگران اسرائیلی از فلسطین و انهدام و نابودی صهیونیزم قد علم کرد، باید یاد جانباختگان راه آزادی و استقلال را که در طول تاریخ دوره اشغال فلسطین توسط صهیونیست ها مبارزه نموده اند گرامی داشت و راه شان را با درس آموزی از این تاریخ مبارزاتی طولانی بهتر و اصولی تر ادامه داد.

مردم آزادخواه فلسطین!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان که به مثابه دو نهاد ملی دموکراتیک افغانستانی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان مبارزه می نمایند، از مبارزات بر حق شما پشتیبانی مینمایند و عمل جنایتکارانه و اشغالگرانه اسرائیل را به شدت محکوم و تقبیح میکنند.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان - دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۳۰ دسامبر ۲۰۰۸



جواب به نامه رسیده

تاریخ اخذ نامه: ۴ دسامبر ۲۰۰۸

سلام بر پیکار جوانان افغانستان

من یکی از تازه ترین رفقای شما هستم امید است که صحتمند باشید. من می خواهم با شما همیشه در تماس باشم از شما کدام معلومات را دریابم، من سایت انترنیتی شما را پیدا کرده ام، تشکر منتظر پیام شما هستم، فرستنده (ا.ت.)

رفیق عزیز! سلام های متقابل ما را بپذیرید.

پیام ما به شما این است که در ارتقای سطح سیاسی خود کوشا باشید و برنامه های آموزشی خود را بطور منظم و پیگیر پیش ببرید. شما از لحاظ سیاسی می توانید - و باید - هر چه سریع تر رشد نمائید و به یک مبارز فعال بدل شوید. از اینکه تازه در این راه گام گذاشته اید، فکر نکنید که وقت زیادی برای رشد و ارتقا ضرورت خواهید داشت. جوانان نیروی فعاله جامعه هستند و اگر کمر همت بر بندند به سرعت می توانند عقبماندگی های خود را جبران نمایند.

اگر اشتباه نکنیم، ما شما را می شناسیم. سعی و کوشش شما برای پیشبرد درس و تحصیل برای هر جوان دیگر هم سن و سال تان می تواند یک نمونه و مثال عالی باشد. اگر در عرصه سیاسی هم همچو همتی به خرج دهید، یقین داریم که می توانید در این عرصه نیز یک نمونه و مثال باشید.

سرفراز باشید!

اشعار انتخابی

میشنویم که تو خسته یی
می شنویم که تو خسته یی
می شنویم ، که تو دیگر نمی خواهی با ما کار کنی
واداده یی ، دیگر نمیتوانی فعالیت کنی
بسیار خسته یی ، دیگر نمیتوانی بیاموزی
از دست رفته یی
دیگر نمی توان انجام کاری را از تو چشم داشت

پس بدان :

ما این همه را از تو میخواستیم
هنگامیکه خسته بخواب میروی
دیگر هیچ کس ترا بیدار نخواهد کرد و نخواهد گفت :
برخیز غذای تو آماده است
چرا باید غذا آماده باشد؟
هنگامیکه تو دیگر نمی توانی فعالیت کنی ، در گوشه یی خواهی افتاد
هیچ کس ترا جستجو نخواهد کرد و نخواهد گفت :
" بلوایی پیا شده و کارخانه ها در جستجوی تو اند"
چرا باید در جستجوی تو باشند؟
زمانیکه مردی ، ترا دفن خواهند کرد
خواه مرگ تو زاده خطایی تو باشد یا نه
تو میگویی :
" مدت دراز جنگیدم ، اما حال دیگر نمی توانم "
پس گوش کن تو خواه خطا کار باشی خواه نه ،
هنگامیکه دیگر نمیتوانی بجنگی ، نابود خواهی شد
تو میگویی :
" مدت دراز امیدوار بودم - دیگر نمی توانم امیدوار باشم "
به چه امید بسته بودی ؟ به اینکه جنگ آسان است ؟
این سخن مقبول نیست
روزگار ما از آنچه می پنداشتی بدتر است
روزگار ما چنین است .

اگر ما کاری ابر مردانه انجام ندهیم معدومیم
اگر نتوانیم کاری کنیم که هیچ کس از ما انتظار ندارد ،
از دست رفته ایم
دشمنان ما منتظر اند تا خسته شویم ،
هنگامیکه نبرد در شدیدترین مرحله است
جنگجویانی که خسته ترند
شکست خورده گان صحنه نبرد اند

برتولت برشت

نیکی را چه سود؟

نیکی را چه سود هنگامیکه نیکان، درجا سرکوب میشوند،
وهم آنانکه دوستدار نیکان اند!

آزادی را چه سود؟
هنگامیکه آزاده گان، باید میان اسیران زندگی کنند!

خرد را چه سود؟
هنگامیکه جاهل، نان به چنگ میاورد -
که همه گان را بدان نیاز است!

به جای خود نیک بودن، بکوشید
چنان سامانی بدهید، که نفس نیکی ممکن شود
یا بهتر بگویم، دیگر بدان نیازی نباشد

به جای خود آزاد بودن، بکوشید
چنان سامانی بدهید، که همه گان آزاد باشند
و به عشق و رزی به آزادی نیز نیازی نباشد

به جای خود خردمند بودن، بکوشید
چنان سامان بدهید، که نابخردی
برای همه و هرکس
سودائی شود با سود!

برتولت برشت

مقام نشراتی الیوم هنری پنجم
سروده مادر
من زلم - دکلمه توسط دسته
هشت مارچ زنان افغانستان
اسیر
دیوار سست - دکلمه توسط دسته
هشت مارچ زنان افغانستان

www.afghanistanrymo.org
Paikarejawan@gmail.com
Nabardezan@gmail.com
Jawanaan@gmail.com

ای خارگر
ای وطن
نمای جوان
دکلمه توسط دسته هشت
مارچ زنان افغانستان

جوانان انقلابی
جوانان افغانستان

بند خرویش انقلابی پرواز

پنجمین آلبوم هنری جنبش انقلابی جوانان افغانستان به دست نشر سپرده شد
هموطنان عزیز! بیاید تا سالروز تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان را تقبیح نمائیم و مقاومت علیه اشغالگران کنونی و خائنین ملی دست نشانده شان را اصولی، قاطع و سرتاسری سازیم! صفحه ۱۳



با درس آموزی از مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی به پیش در راه بر پایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران کنونی و خائنین ملی دست نشانده شان!
با فرا رسیدن ششم جدی ۱۳۸۷ بار دیگر خاطرات تلخ و فراموش ناشدنی تجاوز قوت های نظامی سوسیال امپریالیستی به افغانستان و اشغال این کشور توسط آنها، که... صفحه ۱۴

به دفاع از مردم ستمدیده فلسطین پا خیزید و علیه صهیونیزم و امپریالیزم بسیج شوید!
اعلامیه منتشره ۳۰ دسامبر ۲۰۰۸ - جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان صفحه ۱۶

بمباران قریه بخت آباد - زیرکوه ولسوالی شیندند ولایت هرات توسط امپریالیستهای اشغالگر امریکایی به شدت قابل تقبیح است
اعلامیه منتشره سوم جدی ۱۳۸۷ - جنبش انقلابی جوانان افغانستان صفحه ۱۵



جواب به نامه های رسیده - صفحه ۱۷

اشعار انتخابی - صفحه ۱۸

نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان

وب سایت (تارنمای) جنبش انقلابی جوانان افغانستان :
www.afghanistanrymo.org

پست های الکترونیکی (ایمیل آدرسها) :
مقالات و گزارشات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:
paikarejawan@gmail.com
basoye@hotmail.com
soray1364@yahoo.com

نظرات - پیشنهادات و انتقادات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:
jawanaan@gmail.com
afghanistan123@hotmail.com

